

شتاب و سستی

در محیط مدرسه

بقلم آقای فوادی

انجام هر کاری مستلزم زمانی معین است که مقدار آن زمان نسبت بمکان و وسایل کار فرق می کند .

اگر کار را زودتر از مدت معین که برای آن لازم است انجام دهند بدیهی است بسیاری از مراحل و جزئیات آن را رعایت نکرده نصفه کاره و ناقص تمام کرده اند و در این صورت نتیجه چنین کاری منظور و احتیاج را چنانکه باید بر نخواهد آورد .

برعکس چنانچه برای انجام کار مدت بیشتری را از مقدار لازم بمصرف برسانند نتیجه بموقع بدست نیامده و احتیاجی را که بایستی در موقع معین رفع نمایند بر طرف نخواهند کرد .

در مورد شتاب گفته اند « شتاب اراهریمین و درنگ از بردانست » (العجلة من الشيطان و التانی من الرحمن)

و در مورد دومی مثالی داریم که « ناآتور گرم است نان باید بخت » شتاب و سستی يك نوع از افراط و تفریط در زندگی است که موجب بدبختی و عدم پیشرفت می باشد .

این افراط و تفریط بد است بخصوص در امر تعلیم و تربیت که مورد بحث ماست . مردمان خاور زمین بعضی بیشتر و برخی کمتر گرفتار این دو هستند، مانیز از آنها بی نصیب نیستیم. شخصیکه معرض شتاب یا سستی باشد چون بکاری دست زند میخواید هر چه زودتر نتیجه آنرا بدست آورد. بدینجهت در محکم کردن و بهتر انجام دادن کار دقت نمیکند. اینقدر صبر و حوصله ندارد که بتواند مدتی در انتظار بدست آمدن نتیجه بماند و زحماتش غالباً بهتر می رود .

از طرف دیگر بقدری کندی و سستی بخرج میدهد که نتیجه کارش را موقمی که لازم است نمی تواند بدست آورد .

سوانح تاریخی که ملت ما قرنها دستخوش آن بوده غالب ما را طوری بار آورده که در زندگی اینطور فکر میکنیم « از کجا معلوم است که فردا من زنده خواهم ماند پس باید طوری زمینه چید که نتیجه زودتر بدست بیاید » و برعکس گاهی هم اینطور میگوئیم :

« بجد و جهد چو کاری نمیرود از پیش » « پس چرا اینقدر خود کشتی کنیم اگر نصیب باشد خواهد رسید »

در صورتیکه هزارها گفتار بزرگان در این باب داریم که نظریه فوق را باطل میشمارد مانند گفتار بزرگ حضرت امیر ع : « کار کن برای دنیا مثل اینکه همیشه زندگی خواهی کرد و کار کن برای آخرت مثل اینکه فردا خواهی مرد » .

اینجاست که دبستان و پس از آن دبیرستان باید وظیفه مهم خود را انجام دهند و تربیت نوابگان را روی پایه میانه روی که از افراط و تفریط پیراسته باشد قرار دهند .

عشق بکار و ممانت را باید مدرسه تعلیم دهد تا چون نوباوگان پدر و مادر شوند با این روح بچه‌های خود را تربیت کنند و اولاد خود را متین و کاری بار آورند. مردمان باختر بادارای بودن این روح در تمدن مادی بقدری پیشرفت کرده‌اند که در نتیجه این ترقی افکار و عقاید و رسوم زندگانی خرد را خواهی نخواهی میان مردمان خاور زمین رواج می‌دهند، در صورتیکه تمدن معنوی باختر با تصدیق مردمانش بپایه تمدن معنوی خاور نمی‌رسد.

اداره مدرسه و معلمان باید طوری برای شاگرد تکلیف معین کنند و زمینه کار او را طوری فراهم سازند که قدم بقدم در پیشرفت او مراقب بوده روح شتاب یا سستی در هر جا از اظواهر شد با وسائل مؤثر دفع کنند.

اجرای مواد پرگرام - مواد پرگرام - دروس سه دوره در دبستان و بدو دوره در دبیرستان تقسیم میشود، پس معلم باید قبل از شروع سال تحصیلی موادی را که عهده‌دار است از روی دقت و ملاحظه تقسیم کند بطوریکه مراعات عدده ساعات هر دوره و مقتضیات فصول و قوای شاگردان را در نظر بگیرد مثلاً در نظر داشته باشد که ساعات اول در فصل زمستان برای نوشتن کاملاً مناسب نیست و اگر درس ساعت اول بحکم اجبار و ضرورت کتبی است اقلاً ده دقیقه از آن بدون استفاده خواهد گذشت و یا آنکه مثلاً عدده ساعات دوره اول بواسطه آنکه کمتر با تعطیلات رسمی تصادف میکند بیشتر از دوره‌های دیگر است و بالاخره فکر شاگرد در او ابل سال تحصیلی درست بچریان نیفتاده و در آخر سال نسیبه خسته است و اواسط سال تحصیلی بهتر میتواند بکار افتد.

پس اگر فی‌المثل معلم پرگرام محول را تا نوروز تدریس کند بدیهی است راه شتاب زدگی را پیش گرفته و شاگردان او مواد درس او را بطوریکه باید و شاید فرا نخواهند گرفت و بعلاوه بر قوای ذهنی آنها تحمیل شده است و اگر برعکس در دوره اول سال تحصیلی سستی بخرج دهد بدیهی است در آخر سال خود و شاگردان را خسته و ملول خواهد کرد. پس اداره مدرسه باید کاملاً مراقب باشد که این دو انحراف رخ‌نداده خالی پیشرفت درس وارد نسازند.

پس گرفتن درس - در رسیدن درس هم شتاب و هم سستی بطور برابر مضرت است. هر سئوالی که بشاگرد داده میشود باید باو وقت داد که فکر کرده بعد جواب دهد متأسفانه بعضی بشاگرد مجال فکر نمی‌دهند و بمحض طرح سئوال جواب از او میخواهند، بدینجهت شاگردان عادت میکنند هنوز یکی جواب نداده دست باند کنند و در نتیجه بدون تأمل و فکر بجواب دادن عادت میکنند و در زندگی هم آن راه‌مراه خواهند داشت و بالاخره یکمشت مردم بی فکر و سطحی وارد جامعه خواهند شد. پس هر کس در خردسالی بدون داشتن پایه صحیح تحصیل نشو و نما کند چون بزرگ شود از فکر و تأمل عاجز است و نمیخواهد زحمت آنرا بر خود هموار سازد و در نتیجه فاقد قوه ابتکار که در زندگی اینقدر لازم است میگردد. مثلاً اگر کاسب باشد بمحض آنکه مایه مختصری بدست آورد بتقاید دیگران بقالی و عطاری و امثال آن باز کرده بدخل کم و اتلاف وقت زیاد قناعت مینماید در صورتیکه بکنفر کاسب با فکر و قوه ابتکار اول احتیاج محیط و مردم را سنجیده کسادی و رواجی هر کار را در نظر میگیرد و با سرمایه اندک دخل خوب میکند.

و اما سستی در رسیدن درس این است که بیشتر از اندازه لازم بشاگرد برای جواب وقت بدهند، ضرر این هم از ضرر اولی کمتر نیست زیرا در نتیجه آن سرعت انتقال که لازمه فکر خوب است

ضعیف میگردد. حاصل شدن ملکه که اینقدر برای شاگرد مهم است با سستی حاصل نمیشود. پس اگر قسمت حفظی را شاگرد با کندی و سستی جواب میدهد معلم نباید خرسند باشد بلکه باید این سستی را رفع نماید. **توضیح و بیان** - در توضیح و بیان مطالب نیز شتاب مضرت است باید در نظر گرفت که آنچه را بیان میکنیم و توضیح میدهیم و شاگرد گوش میدهد لازم است در عالم فکر بیرواند و بفهمد پس نباید چنان عرصه را بر او تنگ بگیرند که مطالب مبهم و درهم و برهم پیش او جاوه کند همچنانکه در غذا خوردن نباید گذاشت طفل لقمه اول را نجویده لقمه دیگر بردارد در خوردن غذای معنوی نیز باید رعایت این اصل را کرد. سستی در بیان نیز مطلوب نیست توقفهای طولانی سلسله مطالب را فطم میکند و رابطه را از نظر شاگرد محو میسازد.

تصحیح اوراق - در تصحیح اوراق نیز شتاب اشکالاتی متعدد تولید میکند زیرا ممکن است در اینصورت غلطهای از قلم افتاده و جزئیاتی مهم بنظر نیاید و در نتیجه قسمتهای لازم سکوت وبدون تذکرمانده شاگرد روی اساس غلط پیش برود. گاهی هم این شتاب اسباب شکایت شاگرد و عدم اعتماد او را نسبت بدقت معلم فراهم میسازد.

در عین حال معلم نباید سستی بخرج داده بواسطه تنگی وقت تکالیف را بدون تصحیح بگذارد. برای سهولت کار و سرعت در عمل باید نسبت به درسی که مستلزم تصحیح اوراق می باشد شخص معلم تربیتی مقتضی در نظر بگیرد.

دادن نمره - شتاب در نمره دادن بسیار خطرناکست. باید معلم از روی دقت نتیجه و نمر زحمت شاگرد را سنجیده ارزش آنرا تعیین کند. اگر این قسمت را مورد دقت قرار دهد شاگرد کمتر راه گناه و شکایت خواهد داشت. نمره دادن باید روی دواصل بعمل آید اولاً بعد از جواب شاگرد با پس از بازدید تکالیف کتبی او در نظر معلم کیفیتی مثبت یا منفی جاوه میکند. این کیفیت فقط مربوط بشماره اغلاط و اشتباهات نیست بلکه تصویری است از آنکه شاگرد درس را تا چه اندازه فرا گرفته است. بعد از آنکه این کیفیت حاصل شد معلم بقسمت ظاهر میبرد و از دقت یعنی شماره اشتباهات و اغلاط را در نظر میگیرد باید در وقت دادن نمره احساسات شخصی و نظریات خصوصی را کنار گذاشت و با نظری خالی از حب و بغض قضاوت کرد. مثلاً فرض میکنیم شاگردی در نظر معلم کم کار و سست جاوه کرده اگر اتفاقاً درس را خوب جواب داد نباید سابقه سستی او ارزش جواب حالیه اش را کم کند یا فرضا شاگرد خوب اتفاقاً درس را بد جواب میدهد در اینصورت نباید عطف بسابق نمره خوب او بدهد بلکه خاطر نشان کند که ایندفعه خوب از عهده بر نیامده و نمره اش بد است. بدیهی است معلم محض تشویق او نمیتواند از دادن نمره در این مورد صرف نظر کرده بار دیگر از او سؤال کند. (گرچه در این باره سخن دراز است لیکن مورد بحث مانست).

مراقبت از شاگرد - قسمت مهم قابل ملاحظه و دقت این است که شتاب و سستی برای شاگرد عادت نشود. گفتیم که در زندگی این دو عادت شوم نتایج بدی برای شخص تولید میکنند پس اگر بخواهیم افرادی را برای جاه آماد سازیم که در زندگی و معاملات متین و باوقار بوده و در عین حال سستی و تنبلی را بخود راه ندهند باید در مرحله دبستان فکری بحال آنها بکنیم و بهیچوجه بگذاریم از جا دمه میانه روی منحرف شوند.

شاگردی که عادت کرده تکالیف کتبی را از مراحل اولیه تعلیم گرفته بیعد با عجله انجام

دهد خوش خط نخواهد شد برعکس اگر از همان اوایل تحصیل و ادارند در نوشتن عجله نکند هم خطش خوب میشود هم بتدریج بتند نوشتن عادت خواهد کرد .

اگر شاگرد قرائت را با عجله میخواند، اگر جواب سؤال را با شتاب میدهد و حق کلمه و جمله را ادا نکرده با اصطلاح حرف را میجوید و معام جاو او را نمیگیرد بدیهی است بعدها تصحیح و تعدیل این شتاب او ممکن نخواهد شد .

بالاخره اگر معلم مدتی طولانی از شاگرد درس نبرد و شاگرد احتمال آن را ندهد که درس جواب خواهد داد سستی و کم کاری در شاگرد عادت خواهد گشت .

پس باید در دبستان بخصوص در چهار کلاس اول قسمت مهم تکالیف که شاگرد باید مستقلا انجام دهد تحت نظر آموزگار عملی شود .

باید بشاگرد بفهماند که هر کس کار را با شتاب انجام میدهد دیرتر به بلکه بیشتر باید کار کند و وقت را تلف نماید ؛

برای جلوگیری از شتاب و عادت دادن شاگرد بصبر و حوصله اعمال یدی و صنعت بسیار مفید است مثلاً فرض کنید شاگردی در مدرسه دخترانه در کلاس اول با دوم در نوشتن و خواندن عجله است حروف و کلمات را میاندازد و دقت نمیکند، اگر چنین شاگردی را وادار کنیم بکار دستي مثل گل دوزی و امثال آن بپردازد در اندک مدتی فرقی کلی در حال او مشاهده خواهیم کرد (مقصود این نیست که هر شاگردی بدینویسد و تند میخواند و اشتباه زیاد میکند باید گل دوزی کند بلکه من باب مثل گفته شد) رسم و نقاشی هم این اثر را دارد .

برای جلوگیری از سستی ورزش و بازی های منظم خیلی بجا و مفید است . همچنین باید برای رفع ملالت شاگرد درس را در کلاس جا نداد ساخت که قوای فکری خود را با میل و رغبت بکار اندازد . این بود قسمتی از نمونه های شتاب و سستی که در مورد مدرسه مذکور گشت . پس هر آموزگار و دبیری باید بر حسب وظیفه و جهدانی راه هایی برای جلوگیری از این افراط و تفریط در نظر گرفته بتدریج روح متانت و عشق بکار را در شاگردان خود تولید نماید .

نیک و بد

ایمنی را و تن درستی را	آدمی شکر کرد تواند
در جهان این دو نعمتی است بزرگ	داند آنکس که نیک و بد داند
تا فراوان نایستی تو ذلیل	روزگارت عزیز نشانند
توجه دانی که چند بد هر روز	بخت نیک از تو می بگرداند
راستی پیشه کن که در دو جهان	بجز از راستیت نرهاند
سخت بیدار باش در همه کار	پیش از آن کت قضا بخشباند
نیک رو، بدمرو، که نیک و بد است	که ز ما یادگار می ماند

مسعود سعد سلمان

(متوفی در ۵۱۵ ه . ش)